

موضوع: نقش واسطه ای داشتن والدین کنترلگر در رابطه طرحواره شکست و طلاق عاطفی در زنان جوان

بیان مساله:

خانواده، یک واحد عاطفی و شبکه ای از روابط در هم تنیده است. که با ازدواج زن و مرد آغاز می شود. (آسپارا، ویتکوسکی، لئو^۱، ۲۰۱۸). اغلب زوجین در آغاز زندگی سرمایه ی مشترک خود را عشق و علاقه متقابل می دانند (پاموک و در موس^۲، ۲۰۱۵). اما هنگامی که زندگی زناشویی آن - گونه که زن و شوهر انتظار دارند، پیش نمی رود زوجین دچار یاس و ناامیدی شده و به حالتی از کاهش عاطفه نسبت به هم می رسند (هینمن و هینمن^۳، ۲۰۱۷). که در آن هر یک از زن و شوهر پس از یک دوره طولانی تعارض به مرحله تنفر و سپس با وضعیت بی تفاوتی مواجه می شوند که آخرین مرحله روابط احساسی بین زن و مرد است که در نهایت به طلاق عاطفی^۴ می انجامد (عامری و شفیع، ۱۳۹۷). کارشناسان بر این باورند که در فرایند طلاق، پس از طلاق عاطفی، طلاق قانونی صورت می گیرد. طلاق، به عنوان یک مسئله ی اجتماعی در بر گیرنده می انحلال قانونی ازدواج است و به لحاظ آسیب پذیری در سطوح فردی و اجتماعی حائز اهمیت می باشد (زارچی و همکاران، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر ممکن است این آثار و پیامدها نه تنها عوارضی را برای زنان و مردان بلکه برای فرزندان نیز پیامدهای غیر قابل جبرانی داشته باشند (لاملا، فیگر دو، باستوس، فیتبرگ^۵، ۲۰۱۹، بنسون^۶، ۲۰۱۹؛ کسلر^۷، ۲۰۱۸). یافته های پژوهشی نشان داده اند چالش های روانی مثل تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی در جدایی زوجین تاثیر دارند (اوانس، سیفول و شیریندی^۸، ۲۰۱۸؛ راتی و پاچوئوری^۹، ۲۰۱۸؛ ژی و شی^{۱۰}، ۲۰۱۷). بر اساس برآوردها میزان شیوع طلاق عاطفی در بین همسران ایرانی ۴۰/۹ درصد گزارش شده که بیانگر شیوع

¹ Aspara, J., Wittkowski, K., Luo, X

² Pamuk, M., Durmuş, E

³ Heinemann, L.V., Heinemann, T

⁴ Emotional Divorce

⁵ Lamela, D., Figueiredo, B., Bastos, A., & Feinberg, M

⁶ Benson, H

⁷ Kessler, D

⁸ Evans, N., Sithole, S., Shirindi, M.L

⁹ Rathi, P., & Pachauri, J

¹⁰ Xie, J., Shi, Y

بالای طلاق عاطفی در ایران است (حسنخانی، ۱۳۹۵). طلاق عاطفی موجب افسردگی و اضطراب در زوجین می شود (خجسته نام، ۱۳۹۷) بین طلاق عاطفی با سایر مولفه های اختلال های رفتاری، هیجانی و شناختی ارتباط معنادار وجود دارد (صباحی، صالحی، مقدم زاده، ۱۳۹۶).

یانگ معتقد است که طرح واره های ناسازگار اولیه، قدیمی ترین مولفه های شناختی و باورها و احساسات غیر شرطی درباره خودمان هستند و از تعامل خلق خوی فطری کودک با تجارب ناکارآمد او با والدین، خواهر و برادرها و همسالان در طی سالهای اولیه زندگی به وجود می آید و این طرح واره های غیر شرطی، آسیب پذیری و اشکال نوروتیک اختلالات و مشکلات روان شناختی را افزایش می دهد (یانگ، ۱۹۹۴). آنها الگوهای خود تداوم بخش از خاطرات، هیجانات، شناخت ها، حواس و ادراکات انسان از محیط هستند. کار خود را از روی عادت و براحتی انجام می دهند و هنگامی که فرد با چالشی مواجه می شود به جای تغییر طرحواره، اطلاعات دریافتی را تحریف می کند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

طرحواره ها موجب سوگیری در تفسیر ما از رویدادها می شوند و این سوگیری ها در آسیب شناسی روانی میان فردی به صورت سوء تفاهم ها، نگرش های تحریف شده، گمانه های نادرست، هدف و چشم داشت های غیرواقع بینانه خود را نشان می دهند (پاسکال^{۱۱}، کرسستین^{۱۲} و جین^{۱۳}، ۲۰۰۸؛ به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹).

یانگ معتقد است که طرحواره ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می آیند که این نیازها عبارتند از دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان های سالم، خود انگیختگی و تفریح، محدودیت های واقع بینانه و خویشن داری (یانگ و همکاران، ۲۰۰۴؛ ترجمه حمید پور و اندوز، ۱۳۹۴).

طرحواره ها مطابق با پنج نیاز تحولی کودک به پنج حوزه بریدگی و طرد^{۱۴}، خودگردانی و عملکرد مختل^{۱۵}، محدودیت های مختل^{۱۶}، دیگر جهت مندی^{۱۷}، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری^{۱۸} مستقیم تقسیم شده اند که هر

^{۱۱}- Pascal, A

^{۱۲}- Chris, B

^{۱۳}- Jean, R

^{۱۴}- Disconnection and Rejection

^{۱۵}- Impaired Autonomy and Performance

کدام شامل چند طرحواره می شوند. حوزه بریدگی و طرد شامل طرحواره های رهاشدگی/بی ثباتی، بی اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/شرم و انزوای اجتماعی/بیگانگی است. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل شامل طرحواره های وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول نیافته/گرفتار و شکست می باشد. حوزه محدودیت های مختل شامل استحقاق/بزرگ منشی، خویشتن داری و خود انضباطی ناکافی است. حوزه دیگر جهت مندی شامل طرحواره های منفی گرایی/بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی و تنبیه می باشد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۴؛ ترجمه حمید پور و اندوز، ۱۳۹۴).

طرحواره شکست باور به این که فرد شکست خورده است یا در آینده شکست خواهد خورد و این که شکست برای او اجتناب ناپذیر است. فرد در مقایسه با همسالانش در حوزه های پیشرفت (مثل تحصیل، شغل و ورزش، ..) غالباً احساس بی کفایتی می کند. اغلب شامل این باور است که شخص دیوانه، بی استعداد، نالایق و نادان است و نسبت به دیگران، موفقیت کمتری دارد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۴؛ ترجمه حمید پور و اندوز، ۱۳۹۴).

پژوهش های پیشین نقش چندین سازه روان شناختی، مانند طرحواره های ناسازگار اولیه، سبک های دلبستگی و الگوهای فرزندپروری را در تداوم، صمیمیت و رضایت از روابط عاشقانه و زناشویی مشخص کرده اند (چاتاو و ویشمن^{۱۹}، ۲۰۰۹؛ مک درموت^{۲۰}، ۲۰۰۸؛ کار^{۲۱}، ۲۰۰۶).

با توجه به پژوهش های فوق به نظر می رسد طرحواره شکست از جمله عوامل پیش بینی کننده طلاق عاطفی باشد. به هر حال علی رغم بررسی های ذکر شده راجع به رابطه طرحواره و طلاق عاطفی، نقش عوامل واسطه ای دخیل در این رابطه اغلب مورد غفلت واقع شده است که پژوهش حاضر نقش والدین کنترلگر را به عنوان میانجی گر این ارتباط مورد بررسی قرار می دهد.

¹⁶- Impaired Limits

¹⁷- Other – Directedness

¹⁸- Overvigilance/Inhibition

¹⁹ Chatav Y, Wishman MA

²⁰ McDermott N

²¹ Carr A

کنترل رفتار اشاره می کند بر کوششی که والدین برای نظم بخشیدن با مدیریت رفتار کودک بکار می برند. در واقع کنترل رفتار با تقاضاها، دستورات و بایدها و نبایدهایی که والدین در ارتباط با فرزندان خود بکار می برند سر و کار دارد. کنترل رفتار همچنین به معنای مقدار پافشاری والدین برای اجابت تقاضاها، دستورات، قوانین و بایدها و نبایدها توسط فرزندان می باشد. با وجود این کنترل رفتار به شیوه هایی که والدین برای وادار کردن فرزندان در اجرای قوانین بکار می برند اشاره ای نمی کند. زیرا برای مثال والدین کنترل کننده ممکن است برای اعمال کنترل از تنبیه های جسمی استفاده کنند (روهر^{۲۲}، ۲۰۱۷).

بامریند^{۲۳} (۱۹۹۵) الگوهای فرزندپروری را تفاوت در تلاش های پدر و مادر برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان تعریف می کند. دو بعد پذیرش و کنترل از جمله ویژگی هایی هستند که بر رشد شخصیت و سلامت روان فرزندان اثر می گذارد. این ابعاد به چگونگی ابراز محبت و پاسخ گویی پدر و مادر و شیوه نظارت نسبت به فرزندان اشاره دارد (دروی^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۶).

ریشه تحولی مشکلات برخی از افراد را می توان در سبک های فرزندپروری آسیب زا جست و جو کرد. در بیشتر وقت ها اثر روابط ناسازگار پدر و مادر - فرزند به دوران بزرگسالی نیز کشیده می شود. وقتی که پدر و مادر به هر دلیلی نمی توانند عشق، توجه، محبت و احترام لازم را نسبت به فرزندان خود داشته باشند و فرزندان از تجارب مثبت با همسالان نیز محروم می شوند، ممکن است نتوانند مهارت لازم برای ایجاد و تداوم روابط صمیمی را یاد بگیرند (زارب^{۲۵}، ۲۰۱۷). تجارب خانوادگی تاثیر عمده ای بر تکامل فرد در طول زندگی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه های زندگی را نیز تحت تاثیر خود قرار می دهد (بایرن، کر و کلارک^{۲۶}، ۲۰۱۶). شواهد مختلف نشان می دهد که روابط افراد با والدین در دوران کودکی، کیفیت روابط صمیمی آنها در بزرگسالی را پیش - بینی می کند. برای مثال، تجربه یا مشاهده خشونت و سوء استفاده در خانه با پذیرش و استفاده بیشتر از پرخاشگری در روابط صمیمی بعدی رابطه دارد (دارلینگ، کوهن، برنز و

²² Rohner R

²³ Baumrind D

²⁴ Dewirey M,

²⁵ Zarb JM

²⁶ Byren, M. Carr, A. Clark, M

تامپسون^{۲۷}، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش شولمن^{۲۸} و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که رابطه مادر دختر بر شایستگی روابط صمیمانه در دختران نوجوانشان تاثیر معنادار دارد. همچنین پژوهش جانسون^{۲۹} و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که مردان متاهل از خانواده هایی با عملکرد خانوادگی ضعیف به طور مستقیم و غیرمستقیم به واسطه داشتن تعاملات منفی در بین زوجین، روابط زناشویی با موفقیت کمتری داشتند، در حالی که زنان متاهل از خانواده های با عملکرد خانوادگی ضعیف به دلیل مشکلات سلامت روانی و داشتن تعاملات منفی بین زوجین روابط زناشویی موفق کمتری داشتند. یافته های پژوهش شارف و مایلس^{۳۰} (۲۰۰۸) نشان داد که شاخص های مثبت رابطه با والدین با نشانه های مثبت روابط رمانتیک مرتبط بود.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا داشتن والدین کنترلگر در رابطه طرحواره شکست و طلاق عاطفی در زنان جوان نقش واسطه ای دارد؟

اهمیت و ضرورت:

در اهمیت پژوهش حاضر می توان گفت که خانواده در زمره مهمترین سیستمهای اجتماعی است که براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، کانون رشد و تکامل، التیام و شفادهنگی و تغییر و تحول آسیب ها و عوارض است که هم بستر شکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش می باشد(شجاع کاظمی و سیف، ۱۳۸۹).

تحولات اجتماعی دهه های گذشته در سطح جهانی، نظام های خانواده را با تغییرات، چالشها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه کرده و طی همین مدت خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده ای در معرض تهدید قرار گرفته است. وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی،

²⁷ Darling, N., Cohan, C., Burns, A., & Thompson, L

²⁸ Shulman, S

²⁹ Johnson, M

³⁰ Scharf, M., & Mayseless, O

شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی را از دست می دهند، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت آنها را در آستانه طلاق قرار می دهد (حسینی نثار، شب افروزان، فیض ثابت، ۱۳۹۵).

همچنین، مواردی که در ذیل به آن اشاره شده دلیل بر اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق بوده است:
- نیاز به بررسی رابطه نگرش به خیانت با رضایت زناشویی و طلاق عاطفی با نقش میانجی استفاده از شبکه های اجتماعی؛

- درک روابط این سازه ها می تواند در طراحی مداخلاتی برای رضایت زناشویی و طلاق عاطفی کمک کننده باشد.

- عدم وجود پژوهشی جامع در این حوزه؛

- ایجاد زمینه برای انجام پژوهش های بیشتر همه جانبه در این حوزه.

نتایج حاصل از این پژوهش، می تواند چشم اندازی روشن و عملی برای مشاوران و روان درمانگران و خصوصاً خانواده درمانگران و مراکز بهداشت روان و جامعه فراهم نماید. به علاوه، نتایج پژوهش می تواند مبنای نظری و عملی مناسبی برای بهبود رضایت زناشویی و پیشگیری از طلاق عاطفی در مؤسسات مختلف آموزشی و درمانی از قبیل مراکز مشاوره در دانشگاه ها، کلینیک ها و غیره قرار گیرد. لذا بررسی رابطه نگرش به خیانت با رضایت زناشویی و طلاق عاطفی با نقش میانجی استفاده از شبکه های اجتماعی ضرورت پیدا نمود.

پیشینه:

مهدی زاده و دره کردی (۱۳۹۹) پژوهشی باهدف رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و نگرش به روابط فرازناشویی با میانجی گری ابعاد ذهن آگاهی به منظور آرایه مدل انجام دادند. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه زوجین ۲۵ تا ۴۰ ساله شهر انار بودند. ۲۰۵ زوج به روش نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارتند از: پرسشنامه ی گرایش به روابط فرازناشویی حبیبی و پورآوری (۱۳۹۱)، فرم کوتاه پرسشنامه ذهن آگاهی فرایبورگ (۲۰۰۶) و پرسشنامه طرحواره ناسازگار

اولیه یانگ (۱۹۸۸). تحلیل داده ها با روش تحلیل مسیر و تحلیل میانجی گرانه چندگانه انجام شد. یافته ها مدل نهایی با داده ها برازش مطلوبی دارد و طرحواره های ناسازگار اولیه از طریق ابعاد ذهن آگاهی پیش بینی کننده نگرش به روابط فرازناشویی هستند ($p < 0.05$). همچنین نتایج تحلیل میانجی گرانه نیز نشان داد از ابعاد ذهن آگاهی، توصیف، عدم قضاوت و عدم واکنش مهمترین نقش میانجی گرانه را دارند ($p < 0.05$). نتیجه گیری می توان از طرحواره های ناسازگار اولیه و ابعاد ذهن آگاهی روابط فرازناشویی را پیش بینی کرد.

صابونچی، دوکانه ای فرد و بهبودی (۱۳۹۹) پژوهشی باهدف الگوی ساختاری رضایت زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی و طرحواره های ناسازگار اولیه با میانجی گری هیجانخواهی انجام دادند. روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به خانه های سلامت شمال تهران در سال ۱۳۹۷ بالغ بر ۱۸۵۴ نفر بود. با استفاده از نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای ابتدا تهران به ۴ منطقه شمال، غرب، شرق و جنوب تقسیم و با قرعه کشی منطقه شمال انتخاب شد. از بین ۲۳ محله نواحی ۱ و ۲ آن، ۴ محله ازگل، اراج، نیاوران و باغ فردوس و از هر خانه سلامت ۸۸ زن و در مجموع بر اساس نرم افزار سمپل پاور ۳۵۰ زن انتخاب شد. سپس پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۱۹۸۹، دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید ۱۹۹۰، طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ ۱۹۸۸ و هیجان خواهی زاکرمن ۱۹۷۸ توسط آن ها تکمیل و داده ها با استفاده از معادلات ساختاری اسمارت پلاس تحلیل شد. یافته ها نتایج در سطح ۹۹ درصد اطمینان نشان داد که الگوی ساختاری می تواند رضایت زناشویی را بر اساس سبک دلبستگی ($\beta = 0.624$) و طرحواره های ناسازگار اولیه (-0.693) = β) با میانجی گری هیجان خواهی پیش بینی کند و از برازش مطلوبی برخوردار است. مسیر مستقیم سبک دلبستگی ($\beta = 0.653$)، طرحواره های ناسازگار اولیه ($\beta = -0.731$) و هیجان خواهی ($\beta = 0.594$) بر رضایت زناشویی معنادار و مسیر غیرمستقیم نشان داد که سبک دلبستگی ($\beta = 0.532$) و طرحواره های ناسازگار اولیه ($\beta = -0.561$) با میانجیگری هیجان خواهی بر رضایت زناشویی شدت اثر مطلوبی داشته است. نتیجه گیری برای انسجام و خلق رابطه زناشویی مطلوب، می توان با شناخت هیجان های هریک از زوج ها، طرحواره های ناسازگار اولیه، نوع سبک دلبستگی و تقابل عناصر درون روانی آن ها، روابط زوج ها را بهبود بخشید.

اکبری، عظیمی، طالبی و فهیمی (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف پیشبینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مولفه های آن انجام دادند. جامعه پژوهش، کلیه زوجین شهرستان مهر و

لامرد بودند. نمونه ای ۱۶۵ نفری به روش نمونه گیری در دسترس پس از پر کردن پرسشنامه های طلاق عاطفی گاتمن، شاخص بیثباتی ازدواج - احتمال طلاق و رضایت زناشویی انریچ انتخاب شدند. برای سنجش طرحواره های ناسازگار اولیه از نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره های یانگ و برای سنجش تنظیم هیجان از پرسشنامه تنظیم هیجانی گراس و جان استفاده شد. نتایج تحقیق با روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج: نتایج حاکی از این است که طرحواره های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، شرم/ نقص، شکست، خود تحول نیافته/ گرفتاری، اطاعتپذیری، ایثار، بازداری هیجانی و مولفه سرکوب هیجانی در تنظیم هیجان با طلاق عاطفی رابطه دارند. در تحلیل رگرسیون گام به گام طرح واره ((ایثار)) بهترین پیشبینی کننده طلاق عاطفی زوجین بود و بعد ((سرکوب هیجان)) از پیشبینی کننده های طلاق عاطفی بود. بحث و نتیجه گیری: میتوان به کمک طرحواره های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان، طلاق عاطفی زوجین را پیشبینی کرد و بر پایه این الگوها یک رویکرد پیشگیری از سردی روابط زناشویی و درمان زناشویی بر پایه رویکرد طرحواره درمانی و مدیریت تنظیم هیجان فراهم نمود و یافته های این پژوهش را در محیط های بالینی و مشاورهای برای کمک به زوجین مشکل دار و در آستانه طلاق به کار گرفت.

بشارت، هوشمند، رضازاده و غلامعلی لواسانی (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف پیش بینی رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک های فرزند پروری والدین انجام دادند. از ۳۲۱ زن، ۴۹ مرد شرکت کننده متاهل خواسته شد پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ) و پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS) را تکمیل کنند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک های فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت معنادار و سبک فرزند پروری آمرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه منفی معنادار دارد. بر اساس یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که سطوح رضایت زناشویی فرزندان احتمالاً تحت تاثیر سبک های فرزند پروری والدین آنها قرار می گیرد.

امینی نژاد و شاه (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه های فرزند پروری ادراک شده انجام دادند. جامعه پژوهش حاضر تمامی کارگران مرد کارخانه ذوب آهن اصفهان می باشد و حجم نمونه این پژوهش بر اساس جدول کرسجی و مورگان ۲۴۰ نفر تعیین شد که این تعداد از نمونه به شیوه ی تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های رضایت زناشویی انریچ و سبک های

فرزندپروری ادارک شده شیفر استفاده شد. یافته ها نشان داد که رضایت زناشویی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه رابطه مثبت و معناداری دارد اما با سبک فرزندپروری استبدادی و بی توجه رابطه منفی و معنادار دارد.

اکبری، محمودعلیلو، خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با هدف مقایسه دانشجویان دارای شکست عشقی با و بدون نشانگان بالینی در طرحواره های ناسازگار اولیه و الگوهای فرزندپروری انجام دادند. با روش نمونه گیری هدف مند و به کارگیری پرسش نامه افسردگی بک (BDI-II)، پرسش نامه سلامت عمومی (GHQ-28) و پرسش نامه چندمحوری بالینی میلون ۳۰ (MCMI-III) دانشجوی دارای شکست عشقی با نشانگان بالینی و ۳۰ دانشجوی دارای شکست عشقی بدون نشانگان بالینی از دانشگاه تبریز انتخاب شدند و به پرسش نامه های نسخه کوتاه طرحواره یانگ (YSQ-SF) و محیط خانوادگی - فرزندپروری شیفر (SFPE) پاسخ دادند. داده ها با آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) تحلیل شدند. یافته ها نشان داد میان طرحواره های ناسازگار اولیه و الگوهای فرزندپروری دانشجویان دارای شکست عشقی با و بدون نشانگان بالینی تفاوت وجود دارد. ($p < 0.05$)

اهداف:

فرضیه ها:

تعاریف مفهومی

طلاق عاطفی

تعریف مفهومی: طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر ساختار خانواده حفظ میشود ولی در واقع خانواده از درون تهی است، چرا که رابطه عاطفی مثبت میان زوجین از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است (پروین و همکاران، ۱۳۹۱).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر منظور از طلاق عاطفی نمره ای است که فرد از پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۴) کسب می کند.

طرحواره ناسازگار اولیه

تعریف مفهومی: یانگ (۱۹۹۰، ۱۹۹۹) معتقد است برخی از این طرحواره ها به ویژه آنها که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می گیرند ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور I قرار بگیرند یانگ برای بررسی دقیق تر این ایده، مجموعه ای از طرحواره ها را مشخص کرده است که به آنها «طرحواره های ناسازگار اولیه» می گوید (یانگ و همکاران، ۲۰۰۴؛ ترجمه حمید پور و اندوز، ۱۳۹۴).

تعریف عملیاتی: منظور از طرحواره ناسازگار اولیه نمره ای است که فرد از فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (FS-QS) کسب می کند.

روش:

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری:

ابزار:

پرسشنامه طرحواره یانگ (FS-QS).

برای اندازه گیری طرحواره های ناسازگار، ابزار اندازه گیری مورد استفاده، شکل کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (FS-QS) می باشد. این پرسشنامه یک ابزار ۷۵ سؤالی برای سنجش طرحواره های ناسازگار اولیه با طیف لیکرت بر روی یک مقیاس ۶ درجه ای از "کاملاً درست درباره من" تا "کاملاً غلط درباره من" درجه بندی می شود. یانگ (۱۹۹۸) این پرسشنامه را از روی فرم اصلی پرسشنامه (فرم ۲۰۵ آیتمی) ساخت پرسشنامه FS-QS 15 طرحواره ناسازگار اولیه را می سنجد. هر ۵ آیتم این پرسشنامه یک طرحواره را می سنجد، این طرحواره ها عبارتند از: طرحواره رهاشدگی، طرحواره بی اعتمادی/بد رفتاری، طرحواره محرومیت هیجانی،

طرحواره وابستگی/بی‌کفایتی، طرحواره آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، طرحواره نقص/شرم، طرحواره ناکامی، طرحواره بازداری هیجانی، طرحواره فداکاری، طرحواره معیارهای سرسختانه، طرحواره استحقاق، طرحواره خودانضباطی ناکافی، طرحواره بیگانگی اجتماعی، طرحواره اطاعت/پیروی، طرحواره گرفتاری/در دام افتادگی (به نقل از رضوی و همکاران، ۱۳۸۹).

هر آیتم بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود؛ نمره ۱ برای کاملاً نادرست درباره من، نمره ۲ برای بیشتر نادرست درباره من، نمره ۳ تا حدی نادرست درباره من، نمره ۴ تقریباً درست درباره من، نمره ۵ بیشتر درست درباره من، نمره ۶ کاملاً درست درباره من. نمره کلی برای هر مقیاس از میانگین آیت‌های آن مقیاس محاسبه می‌شود. نمرات بالاتر وجود طرحواره‌های ناسازگار بیشتر را منعکس می‌کند (به نقل از رضوی و همکاران، ۱۳۸۹).

اعتبار و روایی. پایایی فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ با استفاده از روش بازآزمایی و محاسبه ضریب همبستگی پیرسون برای خرده مقیاسها به شرح زیر می‌باشد:

وابستگی/شکست: ۰/۸۳ بیگانگی اجتماعی/نقص/شرم: ۰/۸۰ محرومیت هیجانی: ۰/۷۸ خودانضباطی ناکافی/اطاعت: ۰/۷۶ آسیب‌پذیری نسبت به ضرر: ۰/۷۶ معیارهای سرسختانه: ۰/۸۵ خود تحول نیافته/گرفتار: ۰/۷۷ بی‌اعتمادی/بد رفتاری: ۰/۶۵ بازداری هیجانی: ۰/۶۹ رهاشدگی: ۰/۷۸ از خود گذشتگی: ۰/۶۹ استحقاق: ۰/۷۹ بدست آمد، روایی سازه فرم کوتاه پرسشنامه یانگ با استفاده از تحلیل رگرسیون و همبستگی بین خرده مقیاسهای SQ-SF و خرده مقیاسهای SCL-25 در سطح $P < ۰/۰۱$ و $P < ۰/۰۵$ معنادار بودند یعنی این پرسشنامه دارای روایی سازه بالایی می‌باشد (آهی، ۱۳۸۵؛ به نقل از رضوی و همکاران، ۱۳۸۹).

مقیاس طلاق عاطفی

این مقیاس توسط گاتمن در سال ۱۹۹۴ تهیه شده که دارای ۲۴ سؤال می‌باشد. سؤالات به صورت «بلی و خیر» جواب داده می‌شوند، بعد از جمع کردن پاسخ‌های بله و خیر، اگر تعداد پاسخهای «بله» برابر با هشت (۸) یا بالاتر از هشت بود نشان دهنده نارضایتی زندگی زناشویی و طلاق عاطفی است (گاتمن، ۱۳۸۷). به این معنا که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در او مشهود می‌باشد.

پایایی آن در ایران ۰/۹۳ گزارش شده است. برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده شد و بدین صورت چهار عامل شناسایی شد: جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی حوصلگی و بی قراری. بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بار عاملی مقبولی دارند. روایی صوری آن نیز توسط متخصصان تأیید شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳).

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری

این مقیاس توسط نقاشیان (۱۳۵۸) بر مبنای کارهای شیفر (۱۹۶۵) تهیه شده است. پرسشنامه مذکور مشتمل بر ۷۷ گویه میباشد. برای پاسخدهی به سؤالات پرسشنامه، از آزمودنیها خواسته می شود که در مورد هر گویه، با توجه به میزان مطابقت آن با وضعیت خانوادگی خود، اظهار نظر نمایند. الگوی پاسخ دهی به این آزمون ۵ گزینه ای، و به صورت مقیاس درجه بندی لیکرت بوده و پاسخ ها طیفی از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم را در برمی گیرند، پرسشنامه مذکور دارای دو بعد محبت و کنترل می باشد. سؤال های ۱ تا ۴۲ این آزمون مربوط به بعد کنترل و سؤالهای ۴۳ تا ۷۷ مربوط به بعد محبت است که سؤال های ۱ تا ۱۴ و ۶۱ تا ۷۷ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در این پرسشنامه، هر یک از ابعاد محبت و کنترل دربرگیرنده مفاهیم متعدد است. بدین معنی که نمرهی بالا در بعد کنترل به منزله ی بالا بودن میزان کنترل والدین و نمره بالا در بعد محبت به منزله بالا بودن میزان محبت والدین میباشد. از ترکیب حالت های مختلف این دو بعد، چهار شیوهی فرزندپروری حاصل می شود. به این صورت که محبت و کنترل بالا، شیوه مقتدرانه؛ محبت و کنترل پایین، شیوه بی توجه؛ محبت پایین و کنترل بالا، شیوه سلطه گرانه؛ و در نهایت محبت بالا و کنترل پایین شیوه آسان گیرانه را تعیین می کنند. همچنین در پرسشنامه مذکور، از طریق بعد محبت میتوان دو نوع جو خانوادگی را تشخیص داد. بدین صورت که با سؤال های ۴۳ تا ۶۰ گرمی در روابط و با معکوس کردن سؤال های ۶۱ تا ۷۷ سردی در روابط خانوادگی مورد سنجش قرار می گیرد. نقاشیان (۱۳۸۵) در نمونه ای متشکل از دانش آموزان دبیرستانی، به روش دونیمه سازی، ضریب پایایی آزمون را برابر ۰/۸۷ به دست آورده است. یعقوب خانی غیاثوندی (۱۳۷۲) ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد کنترل و محبت را به ترتیب، برابر با ۰/۶۳ و ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه، ۰/۸۰ گزارش کرده است. روایی پرسشنامه را نقاشیان (۱۳۸۵) از طریق روایی محتوایی و یعقوب

خانی غیاثوندی (۱۳۷۲) از طریق تحلیل عوامل به دست آورده اند. همچنین محمدی (۱۳۸۴) پایایی کل مقیاس و سردی گرمی در فضای خانواده را به ترتیب برابر با ۰/۸۵ و ۰/۹۳ گزارش کرده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

جهت تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده توسط ابزار های فوق، از شاخص های و روش های آمار توصیفی برای بدست آوردن فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، و خطای استاندارد داده ها استفاده شده است؛ و سپس از آمار استنباطی برای بدست آوردن ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری به کمک نرم افزار spss به کار گرفته شد.